

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نعیم سلیمی- کابل / افغانستان

۲۰ اگست ۲۰۲۰



نعیم سلیمی

استقلال افغانستان در هاله ای از ابهام و توهم:



معمای اصلاحات و سنت گرایی در کشور ما بعد از گذشت یک قرن از استرداد استقلال افغانستان از امپراتوری بریتانیا در سال ۱۲۹۷ هجری شمسی (برابر با ۱۹۱۹ میلادی)، هنوز هم در یک هاله ای پیچیده از ابهام و توهم قرار دارد.

هرچندی که برخی ها دوره امانی را "طلائی" خوانده و عصر ناتمام این دوره را با دولت سازی، ملت سازی و اعمار اقتصادی جامعه ما، گره می زنند، ولی میر غلام محمد غبار، مؤرخ ماندگار وطن، فساد گسترده را درین دوران یکی از علل و اسباب دخیل در راستای غلبه سنت گرایی ارتجاعی دانسته و چنین می نویسد « اغتشاش افغانستان در سوء اداره دولت و بی کفایتی مأموران دولت بود که هر امر حیاتی و مقدس را با رشوه خواری و خیانت ملوث می کردند » (غبار ۱۳۸۸، ص ۸۴۸).

یادداشت های ژرف نگرانه میرغلام محمد غبار در رابطه با "هر امر حیاتی و مقدس" در عصر امانی پیرامون اصلاحات ریفورمیستی همین اکنون نیز بعد از گذشت دو دهه تجربه ناکام و کاذب دموکراسی لیبرال بورژوازی در افغانستان و به خصوص بعد از توافقات صلح امپریالیزم امریکا با گروه های مسلح طالبان و رهائی بیشتر از ۴۰۰ تن از آخرین زندانیان این گروه در نتیجه یک معامله ننگین باج گیری با تدویر یک لویه جرگه نمایشی از جانب ریاست جمهوری دولت پوشالی افغانستان ، از وضاحت و طنین کامل ، برخوردار است.

حسب پیش نویس اثر ویلیام دال ریمپل مؤرخ و نویسنده انگلیس در کتابش زیر نام « برگشت شاه شجاع » که پدران وی در جنگ های افغان و انگلیس اشتراک داشته اند « ... امروز نیز مانند ۱۷۰ سال پیش بخوبی دیده می شود که سیاست گذاران با چه بیفتاوتی و نا آگاهی به قضایای افغانستان برخورد می کنند ... » ، نویسنده کتاب « برگشت شاه » به این باور است که میدان های جنگ آنزمان و همچنان امروز تغییر نکرده بلکه تنها ایدئولوژی ها و بیرق ها فرق کرده اند در عین حال ، امروز هم پایگاه های نظامی در همان محلات قرار دارد که در سابق تحت تصرف نیرو های خارجی بود »

به تصور من ، یکی دیگر از توهمات و ابهامات در راستای استرداد استقلال افغانستان در آن نهفته است که ظاهراً ما امروز آزاد هستیم ، از آزادی بیان برخوردار هستیم ، گویا ظاهراً رئیس جمهور منتخب داریم و ده ها تخیل مبتنی بر داشتن یک مدینه فاضله و غیره ... ، ولی همه این ها یک رویائی بیش نیست ؛ در یک جمله کوتاه و بسیط این مدینه فاضله جهنمی است برای زحمتکشان کشور ؛ جنگلی است که در آن آزادی وجود دارد ، ولی برابری نیست و اگر برابری هم وجود داشته باشد برای عده ای محدود بوده و برای اکثریت بزرگ مردم ، زندانی بیش نیست .

* آیا می توان افغانستان را کشوری مستقل از لحاظ داشتن حاکمیت ملی، اختیار و صاحب بودن ملک و منال آن دانست؟

* آیا ما نجات یافته ایم و می توانیم روزی را به نام نجات ملی تجلیل کنیم ؟

* آیا ما هنوز به یک ملت به مفهوم تاریخی و مدرن آن میدل شده ایم ؟

* چرا ما بعد از گذشت یکصد سال از استرداد استقلال ، در قرن ۲۱ ، هنوز هم در پنجه اسارت سنت گرائی ارتجاعی

قرار داریم و علل و اسباب آن کدام ها اند ؟

دیدگاه بگذارید